

Relationship between child upbringings and educational performance emotional quotient and aggression in teenage girls

Samaneh kochak asaadi¹, Zahra froughi Kaldareh^{2*}

- 1) M.A. in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.
- 2) Assistant Professor, Department of Psychology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

The purpose of this study was to Relationship between child upbringings and educational performance emotional quotient and aggression in teenage girls of Rudsar. The statistical population is Rudsars' female teenagers. The current research design is descriptive and correlational. The research sample is 250 students aged 15 to 17 years. The statistical population of all adolescent girls in Rudsar city is 720 in 2017. The sample of the research is 250 students in the age group of 15 to 17 years who were selected by available sampling method. The questionnaires were Bass and Perry Aggression Questionnaire, Yang's Childbirth Questionnaire, Academic Performance Inventory, and Emotional Quotient Inventory. Data were analyzed using SPSS 22 software. The results of this study showed that there is a significant relationship between parenting styles with emotional intelligence with a significant level, academic performance, and aggression, and the strongest correlation was between aggression variables and parenting styles, and on the other hand, it has the most impact and aggression on parenting styles. It seems that paying attention to the childbearing style can have favorable and useful effects for teenage girls.

Keywords: Child upbringing, Aggression, Emotional intelligence, Academic Performance, Teenage girl

رابطه بین سبک فرزندپروری با عملکرد تحصیلی، هوش هیجانی و پرخاشگری در گروه سنی نوجوانان دختر

سمانه کوچک اسعدی^۱، زهرا فروغی کلدره^{۲*}

(۱) کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران

(۲) استادیار گروه روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک فرزندپروری با عملکرد تحصیلی، هوش هیجانی و پرخاشگری در گروه سنی نوجوانان دختر شهرستان رودسر می‌باشد. طرح پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دختران نوجوانان شهرستان رودسر به تعداد ۷۲۰ دانش آموز در سال ۱۳۹۷ می‌باشند. نمونه پژوهش ۲۵۰ دانش آموز در رده سنی ۱۵ تا ۱۷ سال می‌باشند که به شیوه نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. از پرسشنامه‌های پرخاشگری باس و پری، پرسشنامه فرزندپروری یانگ، پرسشنامه عملکرد تحصیلی و پرسشنامه هوش هیجانی بار اُن استفاده شد. داده‌های پژوهش به وسیله نرم‌افزار SPSS و روش آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بین سبک های فرزند پروری با هوش هیجانی، عملکرد تحصیلی و پرخاشگری رابطه وجود دارد. به نظر می‌رسد که توجه به سبک فرزندپروری می‌تواند آثار مطلوب و مفیدی برای نوجوانان دختر داشته باشد. واژه‌های کلیدی: سبک فرزندپروری، پرخاشگری، هوش هیجانی، عملکرد تحصیلی، نوجوانان دختر

تردیدی نیست که خانواده اثری عمیق و پایدار در پی ریزی رفتار کودک و برانگیختن روح زندگی و آرامش درونی او دارد (بلیاد و احدی، ۱۳۹۵). شیوه فرزند پروری، عاملی تعیین کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می کند. در واقع، سبک فرزندپروری به عنوان مجموعه ای از نگرش ها نسبت به کودک در نظر گرفته می شود که منجر به ایجاد جو هیجانی می شود که رفتارهای والدین در آن جو بروز می نمایند. این رفتارها در برگیرنده همه رفتارهای مشخص، یعنی رفتارهایی که در جهت هدف والدین است و هم از طریق آن رفتارها به وظایف والدینی شان عمل می کنند و همچنین رفتارهای غیر مرتبط با اهداف والدینی مانند ژست ها، تغییر در تن صدا یا بیان هیجان های غیر ارادی آنان می باشد (پهلوانی و همکاران، ۱۳۹۴).

سبک های فرزندپروری از جمله عواملی است که می تواند عملکرد تحصیلی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهد (برایان و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع والدین از طریق سبک های فرزندپروری خود اثرات بسیار مهم و چشمگیری در پیشرفت تحصیلی فرزندان شان در سطوح مختلف آموزش دارند. نوجوانان و جوانان، برای موفقیت در آموزش عالی و زندگی شان نیازمند اعتماد، حمایت، روابط نزدیک با خانواده خود، خصوصاً والدین شان هستند (رایس و همکاران، ۱۹۹۰). طبق مطالعات، در بین سبک های فرزندپروری، سبک فرزندپروری مقتدرانه با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد و بین سبک های فرزندپروری مستبدانه و آسانگیر با عملکرد تحصیلی رابطه منفی نشان داده شده است (گوتا، ۲۰۱۲).

علاوه بر این، پرخاشگری از جمله مشکلات رفتاری است که حاصل خانواده های دارای مشکل و با ساختاری ناسالم و ارتباط نامطلوب والدین با فرزندان است. در این خانواده ها معمولاً یک محرک استرس زا، مانند اعتیاد پدر، خشونت های فیزیکی و کلامی پدر و مادر و رابطه ناسالم اولیا با فرزندان، شیوه های رابطه با فرزندان و امثال آن وجود دارد. در این راستا، نتایج مطالعات نشان می دهد که بین شیوه های فرزندپروری با پرخاشگری فرزندان رابطه وجود دارد (نصیری و محمدزاده، ۱۳۹۳). همچنین بلیاد و احدی (۱۳۹۵)، در مطالعه ای نشان دادند والدینی که از شیوه ی فرزندپروری مستبدانه استفاده کرده اند، پرخاشگری فرزندان آن ها افزایش یافته در حالیکه هیچگونه تفاوت معنی داری بین میزان پرخاشگری در دیگر خانواده ها مشاهده نشده است. همچنین، آهنگر انزایی و همکاران (۱۳۹۰)، در مطالعه خود نشان دادند که بین سبک دموکراتیک و پرخاشگری رابطه وجود ندارد. در مطالعه دیگری نیز معلوم شد که بین سبک دموکراتیک با پرخاشگری فیزیکی، خصومت و خشم رابطه منفی و بین سبک استبدادی با پرخاشگری فیزیکی و خصومت رابطه مثبت وجود دارد (عمرانی، ۱۳۹۶).

سبک های فرزندپروری می تواند در هوش هیجانی فرزندان نیز تأثیر داشته باشد. سبک های فرزند پروری مجموعه روش هایی هستند که به صورت منفرد یا در تعامل با یکدیگر بر رشد افراد تأثیر گذارند؛ سبک های فرزندپروری در واقع تلاش والدین برای اجتماعی کردن فرزندان خود است (عرشی و همکاران، ۱۳۹۳). از طرفی دیگر، هوش هیجانی آگاهی از هیجان ها و چگونگی اثرگذاری این آگاهی در روابط بین فردی را نشان می دهد و از سوی دیگر نماینده میزان خودداری از تشخیص و ارزیابی و ابراز هیجان به نحوی صحیح و سازگارانه می باشد (لوسین، ۲۰۰۶). هوش هیجانی دارای سه مولفه سازگاری،

مدیریت استرس و خلق عمومی می باشد. مولفه سازگاری عبارتند: انعطاف پذیری، توانایی و تغییر احساسات متناسب با موقعیت. مولفه مدیریت استرس شامل توانایی سازگاری با فشارها و کنترل سازنده و اثربخش هیجانات می باشد (پهلوانی و همکاران، ۱۳۹۴). مولفه خلق عمومی نیز شامل توانایی احساس و بیان هیجانات مثبت و در نظر داشتن نیمه روشتر زندگی می باشد. در این راستا، کامپتون - برنت (۲۰۱۱)، در نتایج خود دریافتند که کودکان دارای والدین پذیرنده و گرم، بیشتر خوشحال می باشند، همچنین خودگرانی، خودتکایی، مهارت و عزت نفس بالاتری را از خود بروز می دهند. از طرفی والدین مقتدر در سنین مختلف تأثیراتی از قبیل پریشانی، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، پرخاشگری و رشد اخلاقی پایینی را در فرزندان خود شاهد می باشند همچنین، فرزندان که در خانواده های با سبک تربیتی مقتدر پرورش یافته اند نسبت به فرزندان در خانواده های سهل گیر و استبدادی در پیشرفت، کفایت، عزت نفس، رشد اجتماعی و بهداشت روانی نمرات بالایی را کسب نموده اند (مارتین و مک کوبی، ۲۰۱۲).

از سوی دیگر، برخورداری والدین از سبک فرزندپروری مناسب، برای فرزندان مزایای بی شماری دارد (بامریند، ۱۹۹۱). چنین فرزندان توانمندی، کمتر در معرض خطر انجام رفتارهای مشکل ساز قرار خواهند داشت (پهلوانی و همکاران، ۱۳۹۴)، و ویژگی های مثبت بیشتری همچون استقلال فکری، اعتماد به نفس، درک مفهوم، کنترل سازگاری روانی موثر، درک احساسات دیگران، درک استانداردهای اجتماعی و اخلاقی، پیشرفت تحصیلی، روابط بین فردی مناسب، کنش های اجتماعی مناسب، سازگاری بهتر، هوش هیجانی بالاتر و از لحاظ روانی و اجتماعی شایستگی بیشتری دارند. همچنین مسئولیت پذیر، خلاق، کنجکاو و دارای اعتماد به نفس می باشند (مظلوم، ۱۳۸۲). با توجه به مطالب فوق و مرور پیشینه پژوهش که نشان می دهد که در این رابطه با کمبود مطالعات رو به رو هستیم، این پژوهش با هدف مطالعه رابطه سبک فرزندپروری با هوش هیجانی با پرخاشگری و عملکرد تحصیلی در نوجوانان دختر دانش آموز شهرستان رودسر انجام شد. در همین رابطه سازمان ها، افراد حقیقی و حقوقی مختلفی از یافته های این تحقیق بهره مند خواهند شد که از آن جمله می توان به سازمان های روانپزشکی، مراکز درمانی روان شناختی، بهزیستی، آموزش و پرورش اشاره کرد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال این سوال می باشد که آیا بین سبک فرزند پروری با عملکرد تحصیلی، هوش هیجانی و پرخاشگری در گروه سنی نوجوانان دختر شهرستان رودسر رابطه وجود دارد؟

روش شناسی

طرح پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری کلیه دختران نوجوانان شهرستان رودسر به تعداد ۷۲۰ دانش آموز در سال ۱۳۹۷ می باشد که این میان ۲۵۰ نفر به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب و حجم آن بر اساس جدول مورگان در نظر گرفته شد. از پرسشنامه پرخاشگری باس و پری، پرسشنامه سبک فرزندپروری یانگ، پرسشنامه عملکرد تحصیلی و پرسشنامه هوش هیجانی بار آن می باشند. بعد از اخذ مجوز از اداره آموزش و پرورش و ارائه توضیحات مقدماتی در خصوص هدف پژوهش و جلب مشارکت آزمودنی ها و اطمینان بخشی به آزمودنی ها مبتنی بر محرمانه ماندن اطلاعات، پرسشنامه توسط آزمودنی تکمیل گردید و از آنها خواش شد که با صداقت به سوالات پاسخ دهند. اجرا به صورت گروهی بود و برای پاسخگویی به سوالات محدودیت زمانی وجود نداشت. ملاحظات اخلاقی پژوهش نیز چنین بود که به آزمودنی ها اطمینان داده

می‌شد که جواب‌های آنها نزد محقق به صورت محرمانه باقی خواهد ماند. جهت تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و روش رگرسیون گام به گام با نرم‌افزار SPSS در سطح معنی‌داری ۰/۵۰ استفاده گردیده است. ابزار مورد استفاده در پژوهش عبارتند از:

پرسشنامه پرخاشگری: این پرسشنامه توسط باس و پری مشتمل بر ۲۹ عبارت طراحی شده است و چهار زیر مقیاس دارد که عبارتند از: پرخاشگری بدنی، خصومت پرخاشگری کلامی، خشم. پرسشنامه در یک طیف ۵ درجه ای از: کاملاً شبیه من است (۵)، تا حدودی شبیه من است (۴)، نه شبیه من است نه شبیه من نیست (۳)، تا حدودی شبیه من نیست (۲)، تا به شدت شبیه من نیست (۱) می باشد. جهت سنجش اعتبار پرسشنامه آلفای کرونباخ استفاده گردیده که نتایج نشان می دهد همسانی درونی زیرمقیاس پرخاشگری بدنی ۰/۸۲، پرخاشگری کلامی ۰/۸۱، خشم ۰/۸۳ و خصومت ۰/۸۰ است. در مطالعه محمدی (۱۳۸۵)، اعتبار پرسشنامه پرخاشگری از راه سه روش آلفای کرونباخ، بازآزمایی و تصنیف مورد تحلیل قرار گرفت که به ترتیب، ضرایب ۰/۷۸، ۰/۸۹ و ۰/۷۳ به دست آمد. روایی همگرایی پرسشنامه پرخاشگری با محاسبه ضریب همبستگی زیر مقیاس‌های این پرسشنامه با یکدیگر و با کل پرسش نامه، تایید شد که این ضرایب میان ۰/۳۷ تا ۰/۷۸ متغیر و معنادار بودند.

پرسشنامه فرزند پروری: پرسشنامه فرزند پروری توسط یانگ طراحی و شامل ۷۲ سوال می باشد و هدف آن ارزیابی سبک های فرزند پروری والدین (محرومیت هیجانی، رها شدگی /بی ثباتی، بی اعتمادی /بدرفتاری، آسیب پذیری به ضرر یا بیماری، وابستگی /بی کفایتی، نقص /شرم، شکست، اطاعت، ایثارگری، معیارهای سرسختانه، استحقاق /بزرگ منشی، خویشتن داری / خود انطباقی ناکافی، گرفتار، منفی گرایی، بدبینی، بازداري هیجانی، تنبیه، پذیرش جویی /جلب توجه) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت می باشد و امتیاز مربوط به هر گزینه از ۱ (کاملاً غلط) تا ۶ (کاملاً درست) طراحی شده است. اعتبار پرسشنامه توسط آلفای کرونباخ سنجیده شد که بین ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ محاسبه شد. همچنین، نتایج بازآزمایی بیانگر اعتبار بالا می‌باشد و اعتبار سازه در حد قابل قبولی است.

پرسشنامه عملکرد تحصیلی: پرسشنامه سنجش عملکرد تحصیلی دانش آموزان اقتصاسی از پژوهش های فام و تیلور می باشد که در سال ۱۹۹۹ تهیه شده و در حوزه عملکرد تحصیلی برای جامعه ایران اعتباریابی گردیده است. آزمون عملکرد تحصیلی قادر است با ۴۸ سوال در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از هیچ (۱) تا خیلی زیاد (۵)، ۵ حوزه مربوط به عملکرد تحصیلی از جمله بُعد خودکارآمدی شامل تأثیرات هیجانی، برنامه‌ریزی، فقدان کنترل پیامد و انگیزش را مورد بررسی قرار می دهد. ۳۲ ماده به صورت مستقیم و ۱۸ ماده به صورت وارونه نمره گذاری می شوند. پایایی پرسشنامه عملکرد تحصیلی توسط سازندگان به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ محاسبه شده است. در پژوهش درتاج (۱۳۸۳)، روایی محتوایی این پرسشنامه توسط نظر اساتید مورد تأیید قرار گرفته است و ضریب آلفای کرونباخ کل آن ۰/۷۴ به دست آمده است.

پرسشنامه هوش هیجانی: پرسشنامه هوش هیجانی بار آن (۱۹۸۰) دارای ۹۰ گویه است. این پرسشنامه، دارای ۱۵ خرده مقیاس و بر روی طیف ۵ درجه ای لیکرت تنظیم می باشد. نخستین پرسشنامه فرا فرهنگی ارزیابی هوش هیجانی بوده است که این آزمون در سه مرحله در ایران اجرا گردیده که پس از انجام برخی تغییرات در متن اصلی پرسشنامه، حذف یا تغییر بعضی سوالات پرسشنامه از ۱۱۷ سوال به ۹۰ سوال تقلیل یافته است. در پژوهش سموعی (۱۳۸۲)، اعتبار آلفای کرونباخ پرسشنامه برای کل آزمون ۰/۹۳ گزارش گردید است.

یافته‌ها:

بر اساس یافته‌های به دست آمده، ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش توصیفی حاضر، متشکل از ۲۵۰ آزمودنی است و همگی در بازه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال قرار دارند. از آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن متغیرها استفاده شد، با توجه به اینکه همگی بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشند، متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال هستند. در جدول شماره ۱، میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها در متغیرهای سبک فرزند پروری، عملکرد تحصیلی، هوش هیجانی و پرخاشگری به تفکیک آمده است.

جدول شماره ۱، میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی پرسون نمرات آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین $\pm$ انحراف معیار	سبک فرزندپروری
سبک فرزندپروری	۳/۲۶ $\pm$ ۰/۴۸۶	۱
عملکرد تحصیلی	۳/۸۱ $\pm$ ۰/۴۱۵	**۰/۴۶۷
هوش هیجانی	۳/۶۳ $\pm$ ۰/۴۶۱	**۰/۴۸۶
پرخاشگری	۳/۵۹ $\pm$ ۰/۴۱۵	**۰/۶۸۱

با توجه به جدول شماره ۱، یافته‌ها بیان کننده ارتباط بین سبک فرزندپروری با متغیرهای عملکرد تحصیلی، هوش هیجانی و پرخاشگری است. بین سبک فرزندپروری با متغیرهای عملکرد تحصیلی ۰/۴۶۷، هوش هیجانی ۰/۴۸۶ و پرخاشگری ۰/۶۸۱ در سطح ۰/۰۱ همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. جهت بررسی پیش‌بینی کنندگی متغیر سبک فرزندپروری از معادله رگرسیون استفاده شد. قبل از آن، پیش فرض‌های مرتبط مورد آزمون قرا گرفت. رابطه خطی بین متغیرها با آزمون تحلیل واریانس و محاسبه آماره F تایید گردید. با توجه به اینکه سطح معنی داری، پایین‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، خطی بودن رابطه بین متغیرها در رگرسیون در سطح ۹۵ درصد معنی دار گردید. مستقل بودن مشاهدات نیز با آزمون دوربین-واتسون، محاسبه شد که مقدار آن بین ۲/۵-۱/۵ بوده که بیانگر این است که مشاهدات از هم مستقل هستند.

جدول ۲. نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی متغیرهای پژوهش بر اساس سبک فرزندپروری

متغیر	ضریب رگرسیونی استاندارد نشده (b)	خطای معیار (se)	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (β)	t	P	دوربین واتسون (Durbin-Watson)
عملکرد تحصیلی	۰/۷۴۲	۰/۱۱۹	۰/۳۸۹	۴/۴۰۷	۰/۰۲۴	۲/۴۱۷
هوش هیجانی	۰/۴۳۱	۰/۲۶۱	۰/۳۶۷	۲/۸۲۷	۰/۰۴۸	۲/۱۹۵
پرخاشگری	۰/۸۴۳	۰/۱۶۴	۰/۴۷۱	۲/۹۴۶	۰/۰۱۴	۱/۹۱۶

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۲، متغیر سبک فرزندپروری قدرت پیش‌بینی‌کنندگی لازم را برای عملکرد تحصیلی ۰/۷۴۲، هوش هیجانی ۰/۴۳۱ و پرخاشگری ۰/۸۴۳ داراست. با توجه به نتایج به دست آمده سبک فرزند پروری نقش مستقیم در پیش بینی عملکرد تحصیلی، هوش هیجانی و پرخاشگری نوجوانان دختر دارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری با عملکرد تحصیلی، هوش هیجانی و پرخاشگری در گروه سنی نوجوانان دختر صورت پذیرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش بین سبک‌های فرزند پروری و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد که همسو با مطالعات اژه‌ای و همکاران (۱۳۹۰)، حامید و همکاران (۲۰۱۶)، لامبورن و همکاران (۲۰۱۲)، کارلو و همکاران (۲۰۱۷) و گوتا (۲۰۱۲) اشاره است. در پژوهش‌های متعددی بین سبک فرزندپروری مقتدر با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک‌های فرزندپروری مستبد و آسان‌گیر با عملکرد تحصیلی رابطه منفی نشان داده شده است. والدین از طریق سبک‌های فرزندپروری خود اثرات بسیار مهم و چشمگیری در پیشرفت تحصیلی فرزندانشان در سطوح مختلف آموزش دارند. نوجوانان و جوانان، برای موفقیت در آموزش عالی و زندگی‌شان نیازمند اعتماد، حمایت، روابط نزدیک با خانواده خود، خصوصاً والدینشان هستند. به همین دلیل برخی از محققان پیشنهاد کرده‌اند که حمایت خانواده از نوجوانان که می‌تواند از پدر و مادر خود به دست آورده‌اند، پستوانه محکمی در طول زندگی‌شان، به‌خصوص در طول گذر آنها از دانشگاه می‌باشد (مرادیان و همکاران، ۱۳۹۳). کودکان والدین سهل‌گیر نسبت به کودکان والدین مقتدر سازگاری روان شناختی کمتری بروز می‌دهند. نوجوانان والدین سهل‌گیر عزت نفس بالایی دارند ولی در عین حال درجه بالایی از سوءمصرف دارو و خلاف‌های رفتاری را در مدرسه نشان می‌دهند به علاوه رفتارهای خلاف آنها در دبیرستان افزایش می‌یابد (لامبورن و همکاران، ۲۰۱۲). به بیان دیگر رفتارهای پرخطر فرزندپروری با نتایج تحصیلی در ارتباط هستند (کارلو و همکاران، ۲۰۱۷).

علاوه بر این پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک‌های فرزند پروری و هوش هیجانی رابطه وجود دارد که همسو با مطالعات امین‌آبادی و همکاران (۲۰۰۳) و میردريکوند و همکاران، (۱۳۹۵) است. دارلینگ و استنر (۱۹۹۳)، سبک فرزندپروری را به عنوان نگرش‌ها و رفتارهایی تعریف می‌کنند که ایجادکننده فضای هیجانی وسیعی است که ماهیت رابطه متقابل والد و فرزند را تعیین می‌کند. در این راستا شواهد پژوهشی گویای این است که آموزش هوش هیجانی به والدین، سبک فرزندپروری آنان را ارتقا داده و احتمال بدرفتاری آنها با کودکانشان را کاهش می‌دهد (میردريکوند و همکاران، ۱۳۹۵). افرادی که والدین خود را با اقتدار منطقی درک میکنند از سطح سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردارند و این سبک در مقابل دو سبک دیگر (استبدادی و سهل‌انگارانه)، بدون شک باعث بالا رفتن سازگاری اجتماعی در فرزندان می‌شود. همچنین افرادی که هوش هیجانی آنان در سطح بالایی باشد آنان در برقراری ارتباط صحیح و سازگاری همبستگی مثبت دارد (ابولقاسمی و همکاران، ۱۳۹۴). در واقع والدین مقتدر معمولاً مقررات منطقی برای فرزندانشان وضع می‌کنند و بر اجرای آن پافشاری می‌نمایند. آنان فرزندانشان را به استقلال تشویق نموده، همچنین هدایت و کنترل می‌نمایند. در رابطه با فرزندان خود با منطق و استدلال منظورشان را بیان می‌کنند و آنان را در جهت رسیدن به اهدافی که تعیین نموده‌اند هدایت می‌نمایند و زمانی که فرزندان موفق می‌شوند، واکنش

مثبتی را از خود بروز می‌دهند. کودکان و نوجوانانی که والدین آنان روش مقتدرانه را به کار می‌برند، در مقایسه با کودکان و نوجوانانی که والدین آنها سایر روش‌های فرزندپروری را به کار می‌برند از مهارت‌های اجتماعی بیشتری برخوردارند و فعالیت‌های موثرتر و مفیدتری را انجام می‌دهند (پهلوانی و همکاران، ۱۳۹۴).

همچنین، یافته مطالعه حاضر نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری و پرخاشگری رابطه وجود دارد، که مطالعات آهنگر انزایی و همکاران (۱۳۹۰)، صافی و صافی (۱۳۸۸) و عمرانی (۱۳۹۶)، در این راستاست. توجه به نقش اساسی خانواده در رشد و شکل‌گیری شخصیت فرزندان، می‌توان آن را به عنوان نقطه‌ی آغاز کسب مهارت‌های ارتباطی در نظر گرفت. کودکان در خانواده زبان، مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی فرهنگ خود را می‌آموزند و بدون تردید یکی از عوامل مهم و مؤثر در کسب مهارت‌ها الگوهای تربیتی خانواده و شیوه‌های ارتباط والدین با فرزندان می‌باشد؛ بنابراین، شیوه‌ای که در برقراری ارتباط با دیگران اتخاذ می‌شود، عامل مهمی در تعامل اجتماعی می‌باشد و ارتباط ضعیف می‌تواند به روابط ناسالم منجر شده و فشار روانی را افزایش داده و موجب پرخاشگری می‌شود. در واقع بررسی بحران‌های نوجوانی و نیمه عمر نشان داده است رفتار خانواده و رابطه والدین نوجوان با رشد رفتاری و روانی نوجوان تطابق دارد. رفتار متضاد پدر و مادر، جدایی والدین از هم، غیبت طولانی مدت یکی از والدین، وجود جو نامساعد در خانواده، پرخاشگر بودن پدر یا مادر یا هر دو، تبعیض و بی‌عدالتی در مورد نوجوان، تحقیر وی و احساس ناامنی، دخالت بیش از حد در کار وی و رفتار تهدیدآمیز از علل روانی- اجتماعی در بروز پرخاشگری نوجوانان است (صافی و صافی، ۱۳۸۸). لذا، یک خانواده سالم و پویا می‌تواند با ایجاد روابط گرم و صمیمی و استفاده از شیوه‌های فرزندپروری مناسب به نوجوان خود کمک کند تا از هر گونه فشار روانی، خشونت و پرخاشگری به دور باشد. این مطالعه نیز با محدودیت‌هایی از جمله عدم تعمیم‌پذیری نتایج به دلیل جامعه آماری محدود و استفاده از ابزار خودگزارش دهی رو به رو بوده است. پیشنهاد می‌گردد که پژوهش در جامعه آماری وسیع‌تر با حجم نمونه‌ای بزرگتر و همچنین بر روی دانش‌آموزان پسر انجام گردد.

آهنگرانزایی، احد؛ شریفی درآمدی، پرویز و فرج زاده، رباب. (۱۳۹۰)، رابطه سبک های فرزندپروری با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر، *مجله پژوهش های علوم شناختی و رفتاری*، ۱، ۸-۱.

ابوالقاسمی، شهنام و نیک دوست، امیر آرش. (۱۳۹۴)، رابطه ی سبک های فرزند پروری ادراک شده و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی در دانش آموزان پسر، *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۴(۲)، ۱۷-۲۶.

اژه ای، جواد؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ مال احمدی، احسان و خضری آذر، هیمن. (۱۳۹۰)، الگوی علی روابط بین سبک های فرزندپروری ادراک شده، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی، *مجله روانشناسی*، ۳، ۲۸۴-۳۰۱.

امین آبادی، زهرا؛ خداپناهی، محمدکریم و دهقانی، محسن. (۱۳۹۰). نقش میانجی تنظیم هیجان شناختی در ادراک نوجوانان از ابعاد سبک های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی آنها. *مجله علوم رفتاری*، ۵(۲) (مسلسل ۱۶)، ۱۰۹-۱۱۷.

بلیاد، محمدرضا و احدی، حسن. (۱۳۹۵). تأثیر سبک های فرزند پروری بر میزان پرخاشگری جوانان. *پژوهش در نظام های آموزشی*. ۱۰ (۴۳)، ۲۲۷ - ۲۴۷.

پهلوانی، محمد؛ عباسی اسفجیر، علی و دستی، یاسر. (۱۳۹۴)، نقش شیوه های فرزندپروری والدین بر هوش هیجانی و پرخاشگری نوجوانان، *اولین همایش ملی علمی و پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه*.

درتاج، فریبرز و دلاور، علی. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر شبیه سازی ذهنی فرایندی و فرآوردهای بر بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان، *نشریه اندیشه های علوم تربیتی*، ۱ (۲) ۲۱-۷.

صافی، احمد و صافی، ناصر. (۱۳۸۸)، پرخاشگری کودکان و نوجوانان و نقش والدین و مدارس در پیشگیری و کاهش آن، *پیوند*، ۲۳۳، ۳۶-۷۴.

عرشی، ملیحه؛ صیاد، معصومه و فرمانی، عذرا. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه ای هوش هیجانی بین دختران نوجوان در خانواده و در مراکز شبه خانواده شهر تهران. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*. ۳ (۳): ۳۹-۴۷.

عمرانی، لیلا. (۱۳۹۶)، پیش بینی پرخاشگری بر اساس شیوه های فرزند پروری دانش آموزان دختر متوسطه اول پایه نهم شهرستان کهنوج. *پیشرفت های نوین در علوم رفتاری*، ۲(۱۷)، ۲۴-۳۶.

محمدی، نوراله. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی شاخص های روان سنجی پرسشنامه پرخاشگری باس - پری. *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۵(۴) (پیاپی ۴۹) (ویژه نامه علوم تربیتی)، ۱۳۵-۱۵۱.

مرادیان، جلال؛ عالی پور، سیروس و شهنی بیلاق، منیجه. (۱۳۹۳)، رابطه علی بین سبک های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی با واسطه خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت، *روانشناسی خانواده*، ۱(۱)، ۶۳-۷۴.

مظلوم، اشرف. (۱۳۸۲). *بررسی ارتباط شیوه فرزند پروری والدین با پایگاه هویت در دانش آموزان پیش دانشگاهی شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

میردریکوند، فیروز؛ سامی، عباس؛ محمدی، علی اصغر؛ احمدی، مریم و طاهری، منصور. (۱۳۹۵). پیش بینی شیوه فرزندپروری بر مبنای سبک های دلبستگی و مولفه های هوش هیجانی، سلامت و مراقبت. ۱۸ (۲)، ۱۳۰-۱۲۱.

نصیری، بهاره و محمدزاده، زینب. (۱۳۹۳). رابطه شیوه های فرزندپروری با پرخاشگری و اضطراب کودکان پیش دبستانی شهر فردیس کرج. *مطالعات رسانه ای*، ۹ (۲۷)، ۳۶-۲۷.

هیبتی، خلیل. (۱۳۸۱). *بررسی شیوه های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستانهای رشد زرقان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

Bar-On, R. (1997). A measure of emotional and social intelligence in Chicago. *Canadian Journal of Behavioral science*, 18, 123-137

Baumrind, D. (1991). the influence of parenting style on adolescent competence and substance use, *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-59.

Becker, G. (2007). The Buss-Perry aggression questionnaire: Some unfinished business. *Journal of Research in Personality*, 41(2), 434-452.

Brian, M., Galla, J., Wood, E. T., Kim Har, A. W. and Chiu David, A. (2014). A longitudinal multilevel model analysis of the within-person and between-person effect of effortful engagement and academic self-efficacy on academic performance. *Journal of School Psychology*, 24, 123-130.

Carlo, G., White, R.M.B., Streit, C., Knight, G.P. and Zeiders, K.H. (2017). Longitudinal Relations among Parenting Styles, Prosocial Behaviors, and Academic Outcomes in U.S. Mexican Adolescents, *Child Development*, 89(2), 577-592.

Compton-Burnett, I. (2011). *Parents and children*. A&C Black.

Gota, A. A. (2012). Effects of parenting styles, academic self-efficacy, and achievement motivation on the academic achievement of university students in Ethiopia.

Hamid, M., Ahmad, M.S. and Ahmad Jamil, F.A.J. (2016). Relationship between parenting styles and academic performance of adolescents: mediating role of self-efficacy, *Asia Pacific Education Review*, 17(1), 121-131.

Lamborn, S.D., Mounts, N.S. Stinbery L. and Do busch, S.M. (2012). Authoritive, authoritarian, indulgent, and neglectful family's child Development, 6, 1046-1005.

Lyusin, D. B. (2006). Emotional intelligence as a mixed construct. *Journal of Russian and East European Psychology*, 44 (6), 54-68.

Maccoby, E. E. and Martin, J.A. (2012). Socialization in the context of the family: parent child interaction. In P.H. Mussen (Ea & E. M. Hetherington (Vol. Ed.), *Hand book of child psychology: Vol. 4. Socialization, personality, and social development* (4thed, pp.1-101). New York: wily.

Rice, K. G., Cole, D. A., & Lapsley, D. K. (1990). Separation-individuation, family cohesion, and adjustment to college: Measurement validation and test of a theoretical model. *Journal of Counseling Psychology*, 37(2), 195.

Samooie, R (2003). Normalization of Bar-On emotional intelligence questionnaire on Isfahan University's Stu-dents. Master's thesis, Isfahan: Universityi of Isfahan.

